

شهید عباس کریمی از فرماندهان برجسته دوران دفاع مقدس بود که در کاشان متولد شد. او از همان نوجوانی روحیه‌ای پرشور، عدالت‌خواه و مذهبی داشت. با آغاز مبارزات انقلابی، در تظاهرات و فعالیت‌های مردمی علیه رژیم پهلوی حضور فعالی داشت و پس از پیروزی انقلاب، راه خود را در مسیر پاسداری از ارزش‌ها ادامه داد.

شهید

جزیره‌مجنون

ت‌ها و تلفیق اجتماعی سازمان بهزیستی کشور مطرح شد؛

اصلی‌نابینایان

نه به نابینایان را تغییر داد؟

[۶] مهم‌ترین مشکلات و چالش‌های افراد دارای معلولیت بینایی چیست؟

یکی از مهم‌ترین مشکلات این عزیزان، مساله اشتغال است. بسیاری از افراد دارای معلولیت بینایی، تحصیلات عالی دارند و از توانمندی‌های علمی و مهارتی خوبی برخوردارند اما متأسفانه زمینه اشتغال آنها به‌اندازه کافی فراهم نیست. طبق ماده ۱۵قانون حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت، سه درصد از سهمیه استخدام‌های دولتی باید به افراد دارای معلولیت اختصاص یابد اما در عمل، افراد نابینا کمترین میزان جذب را در میان سایر گروه‌های دارای معلولیت دارند.

در آزمون‌های استخدامی، پس از قبولی اولیه، کمیسیون‌هایی برای بررسی توانایی افراد نسبت به شغل انتخابی تشکیل می‌شود و کارشناسان مانیز در این کمیسیون‌ها حضور دارند تا توانمندی افراد را تایید کنند. با این حال، برخی سازمان‌ها تمایل کمتری به جذب افراد دارای معلولیت بینایی دارند و بیشتر ترجیح می‌دهند افرادی با معلولیت‌های خفیف‌تر را استخدام کنند. معتقدیم باید اعتماد بیشتری به توانایی و مهارت‌های افراد نابینا ایجاد شود، چراکه این افراد توانایی انجام بسیاری از وظایف شغلی را دارند و می‌توانند در محیط‌کار به خوبی بدرخشند.

[۶] در زمینه مناسب‌سازی فضاها و دسترسی نابینان چه اقداماتی انجام شده و چه چالش‌هایی وجود دارد؟

موضوع مناسب‌سازی محیط‌های شهری و فضاها



تأثیر نابینایی بر دنیای درونی کودک

سمانه همایران
مدرس دانشگاه و روان‌شناس

«روز جهانی نابینایان» فرصتی ارزشمند برای تفکر در زمینه‌های روان‌شناختی و اجتماعی زندگی کودکانی است که جهان را به شکل دیگری تجربه می‌کنند. نابینایی، گرچه محدودیتی در دریافت اطلاعات بصری ایجاد می‌کند اما این به معنای محدودیت در توانایی‌های ذهنی، عاطفی و اجتماعی کودک نیست. تحقیقات روان‌شناختی نشان می‌دهد این کودکان در صورتی‌که حمایت مناسبی دریافت کنند، می‌توانند مانند همسالان بیبای خود به رشد شناختی، عاطفی و اجتماعی مطلوبی دست یابند. آنچه تفاوت ایجاد می‌کند، شیوه مواجهه خانواده، جامعه و نظام آموزشی با نیازهای آنان است.

تأثیر نابینایی بر رشد درونی و روانی کودک

نابینایی به‌طور مستقیم بر رشد حسی و شناختی کودک تأثیر می‌گذارد. نوزادان و کودکان به‌طور طبیعی با مشاهده محیط و تقلید از حرکات اطرافیان، مهارت‌های حرکتی و شناختی خود را گسترش می‌دهند اما در کودکان نابینا، این منبع یادگیری بصری وجود ندارد. بنابراین، آنان بیشتر بر حواس دیگر به‌ویژه شنوایی و لامسه تکیه می‌کنند. مطالعات

مختلف فرماندهی رشد کرد. او از نخستین روزهای جنگ تحمیلی در جبهه‌ها حضور داشت و در عملیات‌های بزرگ مثل فتح‌المبین، بیت‌المقدس و والفجرها نقشی کلیدی ایفا کرد. به‌ویژه پس از شهادت فرماندهان همسنگرش، مسئولیت‌های سنگینی بر دوش گرفت و تا آخرین لحظه میدان را ترک نکرد. خاطره‌ای که هم‌زمانش نقل می‌کنند، مربوط به شب‌های پیش از عملیات خیبر است. کریمی با همان سادگی و بی‌ریایی

تلاش‌هایی هم انجام شده که قابل تقدیر است، ولی همچنان با وضعیت مطلوب فاصله زیادی داریم.

[۶] در زمینه وسایل کمک‌توانبخشی، چه مشکلاتی برای افراد نابینا وجود دارد؟

برخی از وسایل کمک‌توانبخشی موردنیاز نابینایان از نوع «های‌تک» یا فناوری پیشرفته هستند؛ مثل دستگاه‌های برجسته‌نگار و ابزارهای دیجیتال خواندن متن. متأسفانه قیمت این وسایل به‌دلیل افزایش نرخ ارز بسیار بالا رفته و تامین آنها برای سازمان دشوار شده است. اگرچه بهزیستی تا حد امکان تجهیزات پایه مانند عصای سفید، ساعت گویا، ذره‌بین و نرم‌افزارهای خوانشگر را در اختیار افراد قرار می‌دهد اما در حوزه تجهیزات پیشرفته هنوز با محدودیت منابع مالی مواجه‌ایم. امیدواریم با حمایت‌های بین‌بخشی و جذب اعتبارات بیشتر، بتوانیم این نیازها را بهتر پاسخ دهیم.

[۶] آیا در حوزه خدمات بانکی و دسترسی به خدمات عمومی نیز مشکلاتی وجود دارد؟

بله، در حوزه خدمات بانکی هم مشکلاتی وجود دارد. برخی بانک‌ها اقداماتی برای نصب دستگاه‌های خودپرداز مناسب‌سازی‌شده انجام داده‌اند اما در سطح شعب همچنان نابینایان برای انجام امور بانکی با محدودیت‌هایی روبه‌رو هستند. برای مثال، هر بانک شیوه متفاوتی دارد؛ بعضی از بانک‌ها فقط با حضور قیم خدمات ارائه می‌دهند، برخی امضا را قبول دارند و بعضی دیگر مهر برجسته را شرط می‌دانند. این تفاوت رویه‌ها باعث سردرگمی و ناتوانی نابینایان در انجام امور شخصی‌شان می‌شود. ما معتقدیم باید نظام واحدی برای دسترسی مستقل نابینایان به خدمات بانکی و اداری تدوین و اجرا شود تا شان و استقلال این افراد حفظ گردد.

[۶] آیا خدمات درمانی و هزینه‌های عمل‌های چشم یا پیوند قرنیه هم تحت پوشش سازمان قرار دارد؟

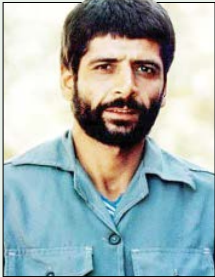
بله، تمامی افراد دارای معلولیت از کمک‌هزینه‌های درمانی و توانبخشی بهره‌مند می‌شوند. همه این افراد تحت پوشش بیمه درمانی هستند و پیراساس ماده ۶ قانون حمایت از معلولین، خدمات توانبخشی نیز تحت پوشش بیمه قرار گرفته است.

در صورتی‌که فرد نیاز به عمل جراحی یا درمان خاصی مانند پیوند قرنیه داشته باشد، می‌تواند پس از انجام درمان و ارائه فاکتورهای هزینه به مددکار خود در شهرستان محل سکونت، کمک هزینه درمانی دریافت کند. این کمک‌بخشی از تعهدات حمایتی سازمان بهزیستی برای ارتقای کیفیت زندگی افراد دارای معلولیت است.

[۶] خانواده‌های افراد نابینا چه نیازهایی دارند و نقش جامعه در حمایت از این گروه چیست؟

خانواده‌ها نقش بسیار مهمی در فرآیند توانبخشی دارند. والدین کودکان نابینا باید آموزش ببینند که چگونه با فرزندشان تعامل کنند و از ظرفیت خدمات توانبخشی موجود بهره‌مند شوند. در کنار خانواده‌ها، آگاه‌سازی جامعه درباره توانمندی‌های نابینایان نیز اهمیت زیادی دارد. جامعه باید این واقعیت را بپذیرد که افراد نابینا می‌توانند مستقل، تحصیل‌کرده، شاغل و فعال در اجتماع باشند. رسانه‌ها و انجمن‌های تخصصی در این زمینه وظیفه مهمی دارند و باید تلاش کنند نگاه جامعه از تحرم به توانمندی تغییر کند. روز «عصای سفید» نماد توجه به حقوق و توانمندی‌های افراد دارای معلولیت بینایی است اما امیدواریم نگاه مسئولان و جامعه به این موضوع محدود به یک روز در سال نباشد. لازم است در تمام طول سال، هم دستگاه‌های اجرایی و

همیشگی کنار رزمندگان می‌نشست و می‌گفت: «این روزها امتحان الهی است. مهم نیست من زنده بمانم یا نه، مهم این است که اسلام زنده بماند». همین روحیه بود که به رزمندگان امید و جسارت می‌بخشید. او سرانجام در جزیره مجنون و در عملیات خیبر به شهادت رسید. زندگی و شهادتش نمونه‌ای از ایمان، شجاعت و اخلاص است و باعث شد نامش در تاریخ دفاع مقدس ماندگار بماند.



شهید عباس کریمی

هم مردم در کنار سازمان بهزیستی باشند تا بتوانیم زندگی مستقل، ایمن و شرافتمندانه‌تری برای نابینایان فراهم کنیم.

[۶] به‌نظر شما جامعه ما نیاز به فرهنگ‌سازی دارد تا حضور افراد نابینا در محیط‌های کاری، تحصیلی و اجتماعی پررنگ‌تر شود؟

قطعاً بله. آموزش و آگاه‌سازی جامعه نقش کلیدی در این زمینه دارد. هرچه توانمندی‌های افراد نابینا و کم‌بینا از طریق رسانه‌ها و مجامع عمومی بیشتر و بهتر معرفی شود، باور جامعه نسبت به توانایی این افراد افزایش پیدا می‌کند و مسیر تحرک و حضور اجتماعی‌شان هموارتر می‌شود. در حال حاضر، بزرگ‌ترین چالش نابینایان در کشور، اشتغال است. با این‌که بسیاری از این عزیزان دارای تحصیلات عالی هستند اما در جذب در ادارات و نهادهای دولتی با مشکل مواجه‌اند. طبق قانون، سه درصد از سهمیه استخدام‌ها باید به افراد دارای معلولیت اختصاص یابد اما متأسفانه بسیاری از دستگاه‌ها تمایل دارند این سهمیه را به افرادی با معلولیت‌های خفیف‌تر اختصاص دهند و نسبت به نابینایان نگرانی‌هایی دارند، در حالی‌که واقعیت این است که نابینایان از سایر حواس خود بسیار قوی‌تر استفاده می‌کنند.

ما وکلای توانمند، مشاوران برجسته، حقوق‌دانان، اساتید و سخنوران ممتازی در میان نابینایان داریم که شایستگی حضور در هرگونه محیط علمی و شغلی را دارند. جامعه باید این ظرفیت را باور کرده و برای آن فضا فراهم کند.

[۶] فرهنگ‌سازی از کجا باید آغاز شود؟

فرهنگ‌سازی باید از درون خانواده شروع شود. در سازمان بهزیستی و به‌ویژه در قالب برنامه توانبخشی مبتنی بر جامعه که حدود ۶۰۰ هزار فرد دارای معلولیت را پوشش می‌دهد، آموزش‌هایی به خانواده‌ها ارائه می‌کنیم تا بدانند چگونه با فرزند نابینای خود تعامل کنند و مسیر رشد او را هموار سازند.

فرهنگ‌سازی از خانواده آغاز می‌شود، سپس در مدرسه و محیط‌های محلی ادامه می‌یابد و در نهایت به حضور فعال در جامعه بزرگ منتهی می‌شود. نکته

مهم این است‌که حمایت واقعی با

باور به توانمندی آغاز می‌شود.

ما نباید حمایت را صرفاً مادی

بدانیم، بلکه باید کمک کنیم

فرد نابینا بتواند مستقل و توانمند

مسیر زندگی خود را طی کند. این

امر نیازمند آگاه‌سازی و تغییر

نگرش در جامعه است.



پرورش اعتمادبه‌نفس و استقلال کودک می‌شود.

برعکس، خانواده‌هایی که می‌پذیرند فرزندشان می‌تواند با حمایت درست به موفقیت برسد، معمولاً فرزندانِ متکی به خود و توانمند تربیت می‌کنند. این خانواده‌ها به کودک فرصت می‌دهند تا در فعالیت‌های روزمره مشارکت داشته باشد، مسئولیت‌های کوچک برعهده گیرد و توانایی‌هایش را تجربه کند.

از دیدگاه روان‌شناسی مثبت‌گرا، بهترین رویکرد این است که والدین نابینایی را نه به‌عنوان ضعف، بلکه بخشی از هویت فرزندشان بپذیرند. تمرکز بر نقاط قوت، تشویق به مهارت‌آموزی، استفاده از ابزارهای کمکی (مانند کتاب‌های بریل یا نرم‌افزارهای گویای آموزشی) و فراهم‌کردن محیطی امن و حمایتگر، همه از عواملی هستند که به سلامت روانی کودک کمک می‌کنند.

همچنین خانواده نقش مهمی در فرهنگ‌سازی اجتماعی دارد. وقتی والدین با صراحت و آرامش درباره وضعیت فرزند خود با اطرافیان صحبت می‌کنند، هم آگاهی جامعه افزایش می‌یابد و هم کودک احساس می‌کند پنهان‌کردن هویت خود ضرورتی ندارد. این نوع مواجهه بازم مثبت، به کاهش انگ اجتماعی و بهبود کیفیت تعاملات اجتماعی کودک کمک بسیاری می‌کند. نابینایی، هرچند چالشی جدی در مسیر رشد کودک است اما به‌هیچ‌وجه مانع شکوفایی توانایی‌های روانی، اجتماعی و شناختی او نیست. کودک نابینا می‌تواند بیاموز، دوست یابد، رؤیاپردازی کند و در جامعه نقش آفرین باشد. مشروط بر این‌که خانواده، مدرسه و جامعه با آگاهی و مسئولیت‌پذیری از او حمایت کنند.

نقش خانواده: از حمایت تا توانمندسازی

خانواده نخستین و مهم‌ترین محیطی است که کودک نابینا در آن رشد می‌کند. روان‌شناسان کودک تأکید می‌کنند که واکنش والدین به نابینایی فرزندشان می‌تواند مسیر رشد روانی او را تعیین کند. برخی والدین ممکن است در مواجهه با نابینایی، به سمت حمایت‌افراطی بروند و کودک را از تجربه‌های مستقل محروم کنند. این رویکرد، هرچند با نیت خیر شکل می‌گیرد، در بلندمدت مانع

جامعه چار دیواری

پرونده خانواده و سبک زندگی

دوشنبه ■ **۲۱ مهر** ۱۴۰۴ ■ **شماره** ۷۱۶۲

نگاه

از خیابان‌های ایران تا کوچه‌های اروپا

مهر

یاربان حیدری

روزنامه‌نگار

تقویمی است اما برای کسانی‌که با نابینایی یا کم‌بینایی زندگی می‌کنند، فرصتی است تا صدای خود را به‌گوش دیگران برسانند. به همین مناسبت با خانم میانسال کم‌بینایی گفت‌وگو کردم که چند سال در ایران زندگی و تحصیل‌کرده و حالا برای ادامه زندگی به اروپا رفته او در این گفت‌وگو، از تجربه‌هایش در ایران، مشکلات رفت‌وآمد در شهرها و خاطرات دانشگاه‌گفت.

زندگی در نیمه‌روشن؛ کودکی و نوجوانی

او از همان کودکی دنیا را نیمه‌روشن می‌دیده. می‌گوید: «وقتی بچه بودم، کتاب‌ها برایم همیشه تار بودند. گاهی تصویرها را تشخیص می‌دادم، گاهی نه. در مدرسه معلم‌ها دو دسته بودند؛ بعضی‌ها نمی‌دانستند چه کنند و عملاً من را نادیده می‌گرفتند. بعضی‌ها هم از سر دلسوزی، تبعیض زیادی بین من و بقیه بچه‌ها می‌گذاشتند.»

بااین حال، انگیزه‌اش برای درس خواندن از بین نمی‌رود. تعریف می‌کند: «همیشه می‌خواستم مثل بقیه باشم. حتی بیشتر تلاش می‌کردم تا کسی نگوید عقب‌مانده‌ام اما واقعیت این بود که مشکل اصلی نه نابینایی بود و نه کم‌بینایی. مشکل ناآگاهی اطرافیان و نبود امکانات بود. از همان سال‌ها یاد گرفتم که محدودیت اصلی در نگاه جامعه‌است.»

وقتی صحبت به دوران نوجوانی و رفت‌وآمدهای روزانه می‌رسد، می‌گوید: «برای ما خیابان‌ها یک میدان جنگ بود. پیاده‌روها پر از موانع، موتورسبکلت‌هایی که داخل پیاده‌رو پارک می‌کردند، جدول‌های بلند، بل‌های هوایی بدون آسانسور. حتی‌رشدن از یک چهارراه ساده، گاهی مثل عبور از یک سد بزرگ بود. عصای سفیدم راهمیشه با خودم داشتم اما رفتار مردم عجیب بود. بعضی‌ها با ترحم رفتار می‌کردند و بعضی‌ها با کنجکاوی. انگار بایک موجود عجیب طرف شده‌اند! در واقع کمتر کسی بود که بیاید و درست کمک‌کند.»

دانشگاه؛ رؤیای بزرگ، دشواری‌های پنهان

وقتی از دانشگاه پرسیدم، چشمانش برق زد: «رفتن به دانشگاه برای من مثل رسیدن به قله بود. سال‌ها آرزو داشتم وارد دانشگاه شوم و مستقل زندگی‌کنم اما خیلی زود فهمیدم مشکلات تازه‌ای در انتظارم است. جزوه‌ها و کتاب‌ها برایم قابل استفاده نبودند. نسخه بریل کمیاب بود و فایل‌های صوتی اگر هم وجود داشتند، ناقص بودند.» او با صدای آرام ادامه می‌دهد: «در کلاس‌ها هم چالش داشتم. وقتی استاد اسلاید نشان می‌داد، اغلب توضیح نمی‌دادند چه چیزی روی پرده است. مجبور می‌شدم از هم‌کلاسی‌هایم بپرسم یا فقط حدس بزنم. این یعنی همیشه یک گام عقب‌تر بودن. با وجود همه این سختی‌ها، دانشگاه را تمام کردم اما همیشه در دلم این حس بود که با کمی توجه و آموزش درست، مسیرم می‌توانست هموارتر باشد.»

از او می‌پرسم آیا خاطره خوبی هم از آن سال‌ها دارد، که با لبخند می‌گوید: «بله، دوستانم بعضی وقت‌ها برایم کتاب می‌خواندند یا همراهی‌ام می‌کردند. آن دوستی‌ها باعث شد دوام بیاورم اما مسأله این جاست که نباید زندگی یک دانشجو به همیاری دوستانش گره بخورد. این حق اوست که امکانات آموزشی برابر داشته باشد.» حالا چند سالی است که در اروپا زندگی می‌کند. وقتی از تفاوت‌ها می‌پرسم، لبخندش پررنگ‌تر می‌شود: «اینجا اولین چیزی که توجهم را جلب کرد، احترام بود. مسیرهای برجسته برای نابینایان در پیاده‌روها کشیده شده، چراغ‌های راهنمایی صدا دارند، کتابخانه‌ها پر از نسخه‌های بریل و دیجیتال هستند اما مهم‌تر از همه نگاه مردم است.

فرهنگ‌سازی؛ کلید یک زندگی برابر

در پایان گفت‌وگو، دوباره به موضوع فرهنگ‌سازی برمی‌گردد: «همه چیز از آگاهی شروع می‌شود. اگر مردم بدانند نابینایان یا کم‌بینان‌ها هم مثل بقیه زندگی می‌کنند، نگاه‌شان تغییر می‌کند. اگر در فیلم‌ها، سریال‌ها و رسانه‌ها تصویری درست و انسانی از ما نشان داده شود، بچه‌های امروز با ذهنیتی برابر رشد می‌کنند. مای می‌توانیم درس بخوانیم، کار کنیم، عاشق شویم، سفر برویم. فقط کافی است موانعی بی‌دلیل از سر راه‌مان برداشته شود.» با آرامشی عمیق جمله آخرش را می‌گوید: «عصای سفید برای ما فقط وسیله‌ای برای حرکت نیست؛ نماد استقلال و اراده است. هر بار که آن را در دست می‌گیرم، یادم می‌آید که می‌توانم راه خود را بروم، حتی اگر دنیا نیمه‌روشن باشد.»